

بررسی جایگاه استعاره و انواع تشبیه در شعر جاهلی عرب

دکتر فرهاد براتی*

سهراب سعیدی**

چکیده

معلقات سبع اعراب جاهلی که سروده هفت نفر از شاعران زمان جاهلیت است آن قدر از نظر فصاحت و بلاغت و شیوایی مورد پسند و قبول ادبای عرب واقع شده‌اند که آنها را با خط زر بر پارچه حریر نوشته و بر پرده کعبه آویزان کرده بودند. که خود بیان گر صور خیال شعرای عرب جاهلی است که از زندگی بدوی خود در صحرا و شبان شتران و شبان گوسفندان که یار و یاور عرب بودند چه تصویرهایی زیبا خلق کرده‌اند، در واقع ادب جاهلی ثمره اندیشه و عاطفه و خیال است هر چند این خیال رنگ صحرا دارد و دامنه خیال شاعر جاهلی را وسعتی نیست، اما در شعر جاهلی عرب تشبیه و متعلقات آن نقش مهمی دارند از این رو این مقاله با روش تحلیل محتوا و با ابزار کتابخانه عنصر تشبیه و متعلقات آن را در شاعران عصر جاهلی عرب بررسی می‌کند و معلوم می‌شود تشبیه و استعاره از مهم‌ترین صور خیال در شعر جاهلی عرب است.

کلیدواژه: شاعران جاهلی عرب، عنصر تشبیه، انواع تشبیه، صور خیال

* استادیار زبان و ادبیات عرب و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون- ایران

Fbarati58@gmail.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون- ایران

sohrab_minab@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱



مقدمه

مفهوم جاهلیت در قرآن کلمه جاهلیت ریشه در قرآن دارد و برای اولین بار در آیات مدنی مطرح گردید. در قرآن مشتقات اسمی و فعلی آن به صورت‌های جاهل، جاهلون، جاهلین، جهاله، یجهلون، تجهلون و جهول به‌کار رفته است. «ولیکاربرد بیشتر این واژه به صورت جهل است که معانی متفاوتی دارد. حال با توجه به آیاتیکه مشتقات واژه «جهل» در آنها ذکر شده است، معنا و مفهوم جاهلیت در قرآن را مشخص می‌نمائیم. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنُّ مِنَ الْجَاهِلِينَ؛ يَوْسُفُ كَفَّتْ: پروردگارا؛ زندان برای من از آن چه مرا به سوی آن می‌خوانند محبوب‌تر است و اگر حيله را از من باز نگردانی من به سوی آنها تمایل می‌کنم و از جاهلان می‌گردم.» از این آیه استنباط می‌شود که گناه موجب سلب علوم خدادادی است و جهل تنها بی‌سوادی نیست، بلکه انتخاب لذت آنی و چشم پوشی از رضای خداوند، نیز جهل محض است» (فاخوری، ۱۳۸۹: ۳۵).

در آیه ۸۹ سوره یوسف نیز آمده است: «قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ يَوْسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ؛ [یوسف] گفت: آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید آن‌گاه که شما نادان بودید.» بنابراین جهل تنها به معنای ندانستن نیست، بلکه غلبه هوس‌ها نوعی بی‌توجهی است. انسان گناهکار هر چند عالم باشد، جاهل است. چون توجه ندارد و آتش دوزخ را برای خود می‌خرد. ۲۲ آیه ۶۷ سوره بقره: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ؛ و هنگامی را که موسی به قوم خود گفت خدا به شما دستور می‌دهد که ماده گاوی را سر ببرید، گفتند آیا ما را به تمسخر می‌گیری؟ گفت: به خدا پناه می‌برم از اینکه از نادانان باشم.» این تعبیر بیانگر آن است که استهزای دیگران جز کار عناصر نادان نیست.

«شعر تاروپود زندگی عرب است و از هر حادثه یکوچکی در زندگیشان نهایت استفاده و بهره برداری را می‌بردند و آنها را به سرایش شعر و می‌داشت. جنگ، پیروزی، مخاطرات، زیارویی اگر دیده بودند، مهمانی کره اسبی نوزاد و همه این‌ها در اشعارشان موجود است. بلکه هدف شاعران آن روزگار نقاشی زندگی و طبیعت بود، لذا با توجه به شرایط شعر آن زمان می‌توان شعری درخشان دانست» (دودپوتا، ۱۳۸۲: ۴۱).



عرب جاهلی هر تفکریکه داشته باشد و شعرش هر محتواییکه داشته باشد چون جزء اولین سروده‌های ادب عربی قبل از اسلام است که بر دیوار خانه خدا آویزان می‌شده اهمیت بررسی دارد که در این مجال تشبیه را بعنوان یکی از عناصر خیال در شعر هفت شاعر جاهلی عرب بررسی می‌کنیم.

بیان مسئله

جان مایه اصلی شعر خیال است، شاعر می‌تواند میان طبیعت و انسان پیوندی برقرار کند. شاعر بدوی اطرافش را می‌نگریست و با محیط خود را وقف می‌داد و سپس به توصیف آن می‌پرداخت شعر جاهلی بیشتر زائیده فطرت و سیرت عرب بدوی بود و در عین حال گاهی از پاره‌ای از صنایع بدیع و بیان محروم بودند اما از نظر معانی و خیال و عاطفه از نظر لفظ سرشار و غنی بود. نخستین چیزیکه در مضامین شعر جاهلی به نظر می‌آید سادگی و وضوح و بی‌تکلفی آن است، معانی شعر چه آنهاکه به بیان احساسات است و چه آنهاکه طبیعت پیرامون را تصویر می‌کند دور از ذهن و اغراق آمیز نیست شاعر جاهلی با گزافه و مبالغه آشناییست و از حدود اعتدال بیرون نمی‌رود، این اعتدال در استفاده از صور خیال و علم معانی نیز شامل می‌شود، این پژوهش عنصر تشبیه و انواع آن را در شعر جاهلی عرب بررسی می‌کند.

سؤال پژوهشی

تشبیه در شعر دوره جاهلیت چه جایگاهی دارد؟

هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش معرفی و آشنایی با جایگاه تشبیه در شعر شعرای دوره جاهلیت عرب است که تنها اثری از آن دوره در دسترس ما است گنجینه‌ای تحت عنوان معلقات سبع یا چکامه‌های بلند جاهلی است که این هفت معلقه و چکامه را با پارچه خط زیبا و زر نویس بر دیوار کعبه آویزان می‌کردند. از آن جایی که بیشتر ادبیات دوره جاهلی از بین رفته و فقط همین هفت معلقه با ارزش به جای مانده است. شعر جاهلی عرب در بادیه‌ها و بیابان‌های نجد و حجاز و سرزمین‌های پیوسته به



آن‌ها در شمال جزیره العرب پدید آمد و رشد کرده و صحرا و بیابان و بادیه برای شاعران جاهلی مانند مدرسه‌ای بود که در آن رشد کرده و پرورش می‌یافتند. هدف از این پژوهش، روشنکردن جایگاه تشبیه در شعر شاعران عرب جاهلی و اعراب بدوی که با شرایط و زندگی منحصر به فرد خویش چگونه از طبیعت و تصاویر طبیعی در اشعار و معلقات خویش سود می‌بردند.

پیشینه

شرح معلقات سبع، تألیف احمد ترجانی زاده یکی دیگر از منابعی است که در این رساله مورد استفاده قرار گرفته، مولف در این کتاب که در سال ۱۳۹۰ توسط انتشارات سروش تهران به چاپ رسیده است به معرفی هفت شاعر عصر جاهلی و زندگی نامه و معلقات و اشعار آنها و آثار و شخصیت آنها که به اصحاب معلقات معروف و مشهور می‌باشند پرداخته شده و نمونه شعر آنها در این کتاب آورده شده است که در رساله پیش روی شما از این مطالب به اجمال بهره‌برداری شده است.

چکامه‌های بلند جاهلی عرب، تألیف دکتر محمود شکیب یکی دیگر از منابع مهمی است که در قسمت صور خیال شعر جاهلی از نمونه شعر هفت تن از شاعران دوره جاهلی عرب به عنوان شاهد مثال مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

در سال ۱۳۸۸ از احمد ترجانی زاده با مقدمه دکتر جلیل تجلیل شرح معلقات سبع در انتشارات سروش چاپ شده است. عبدالمحمد آیتی در سال ۱۳۹۰ معلقات سبع را شرح و در انتشارات سروش چاپ کرده است. همین طور در کتاب متون نظم عربیکه در انتشارات دانشگاه پیام نور، توسط طاهره لاوژه و احمد علیزاده در سال ۱۳۹۴ چاپ شده، علقات سبع شرح و تفسیر شده است. همین طور مقاله بررسی فن تشبیه در معلقه امروالقیس، سال ۱۳۹۰ در شماره ۳۹ نشریه نثر پژوهشی ادب فارسی توسط احد چگی، چاپ شده است. نگاهی نمادین به حضور شتر در شعر جاهلی دوره عرب در زمستان ۱۳۹۰ در شماره ۳ نشریه ادب عرب توسط رضا افخمی منتشر شده است. مقاله هجو در شعر جاهلی، عنوان مقاله دیگری است که در سال ۱۳۹۷ توسط کیفیه اهوازیان در سومین همایش زبان و ادب فارسی منتشر شده است همین طور مقاله وصف ناقه در شعر جاهلی عرب مقاله ای است همایشی که در سال ۱۳۹۷ در سومین همایش زبان و ادبیات فارسی منتشر شده



است. و در نهایت یک پایان نامه در دانشگاه سیستان و بلوچستان با عنوان تشبیه در شعر جاهلی عرب در سال ۱۳۹۲ توسط دانشجو محمد جاودان با استاد راهنمای محمد شیخ و استاد مشاور وصال میمندی پژوهش شده است که دسترسی به آن رساله برای حقیر میسر نشده از این رو از اظهار نظر ر این خصوص خوداری می کنم.

بحث اصلی و تحلیل

شعر در اعراب بادیه نشین ترجمه احساسات افراد و زبان قبیله و اخبار و سرگذشت آنها بود. در کشورهای مانند حیره و غسان دروازه های خود رابه روی فرهنگ ها و تمدن های بیگانه چون فرهنگ و تمدن رومی و ایرانی و غیره باز کرده بودند و به شاعران نیز ارزش و مقام قائل بودند و شاعران را مورد تکریم قرار می دادند و تلاش می نمودند شاعران را در دربار گردآوری نمایند، اما «دارای چنان محیطی نبودند که الهام و خیال شاعران در این فرصت رشد و نمو نماید. وحی و الهام شعری در نزد اعراب قدیم جایگاهی خاص داشت اعراب معتقد بودند که هر شاعری را شیطانی حمایت می کند که شعرا به او وحی نماید. از این جهت بود که شاعر در اجتماع جایگاهی و منزلتی بسیار ارزشمند داشت» (طاهری، ۱۳۹۵: ۱۲۴) به قول نولد شاعر: «پیامبر قبیله و پیشوای آن در زمان صلح و قهرمان آن در زمان جنگ بود. هنگام ییلاق و قشلاق و جستجوی چراگاهها با او مشورت می کردند و تنها به فرمان شاعر خیمه و چادرهای خویش را علم می نمودند و یا کوچ می کردند. باین توضیحات مقام و منزلت شاعر از مقام خطیب برتر بود و تاثیر شاعر نیز بیشتر بود علت این بود که شعر بیشتر از نثر به خاطر موزون مقفی بودنش در اذهان تاثیر می گذارد» (فاخوری، همان، ۳۶). قدرت شاعر از رییس قبیله هم برتر و بیشتر بود. زیرا قبیله در پناه شاعر راه درست و صواب را می یافت و در مشکلات و امور قضایی و معضلات دیگر اجتماعی دست به دامان شاعر می زدند. سخن شاعر بالاتر و ارزشمندتر از هر سخنی بود و گفتارش از نوک تیر هم برنده تر بود و حکم شاعر هم از حکم شرع نافذتر بود و این جایگاه شاعران سبب شده که اشعار آنان به منزله پر طاووس در اوراق مصاحب، زینت بخش دیوار خانه خدا باشد، از آن جهت که این هفت معلقه قدمت شعر عرب را می رساند پرداختن به جنبه های فکریف زبانی و ادبی آن ها مهم است از این رو این پژوهش تلاش می کند تا عنصر تشبیه را به عنوان یکی از گونه های خیال در شعر این شاعر مورد بررسی قرار دهد.



صور خیال و نقد و نقادی در میان اعراب جاهلی

در میان شاعران دوره جاهلی نقد و نقادی جایگاه خاصی داشت و سروده‌ها و آثار یکدیگر را مورد نقد و بررسی قرار می‌دادند و دو مکان عمده وجود داشت که افراد در آن جاگرد هم جمع می‌شدند و افراد نقد و نقادی و بحث و تبادل نظر می‌کردند: یکی بازارها و دیگری مجالس ادبی. در این دوره بازارهایی وجود داشت که مهمتر از همه بازار عکاظ در کوفه بود که به دلیل مشتریان زیاد، محل مناسبی بود که شاعران اشعار خود را به مردم عرضه می‌کردند و شاعران با تجربه‌ای وجود داشتند که در باره شعر آنها قضاوت می‌کردند. که «یکی از شاعران معروف دوران جاهلی، نابغه ذبیانی بود که شاعران جوان او را به عنوان داور برگزیده بودند و نابغه نیز اشعار آنها را مورد نقد و بررسی قرار می‌داد و نکات ضعف و قوت شعر آنها را به ایشان گوشزد می‌نمود. تا به تقویت نکات قوت و رفع ضعف‌های خود پردازند» (طاهری، همان، ۱۲۷).

صور خیال در ادبیات جاهلی

نخستین چیزیکه در مضامین شعر جاهلی به نظر می‌آید سادگی و وضوح و بی تکلفی آن است. معانی شعر چه آنها که بیان احساسات است و چه آنها که طبیعت پیرامون را تصویر می‌کنند، دور از ذهن و اغراق آمیز نیست. «شاعر جاهلی با گزافه و مبالغه آشنا نیست و از حدود اعتدال بیرون نمی‌رود» (همان، ۱۱۱) اما در اینجا ارائه تشبیه را در شعر جاهلی عرب مورد بررسی قرار می‌دهیم. تشبیه یادآوری و همانندی و شباهتی است که از جهتی یا جهاتی میان دو چیز مختلف وجود دارد، چنانکه گفته‌اند، تشبیه اخبار از (شبه) است و آن عبارت است از اشتراک دو چیز در یک یا چند صفت، یادآور شده‌اند. که همه صفات را نمی‌توان بر شمرد و گفته‌اند که تشبیه و وصف کردن چیزی است به چیزهای مشابه و نزدیک بدان از یک جهت یا جهات مختلف و در باره تشبیه تعریف‌های بسیاری در همین زمینه شده است که محور اصلی همه یک چیز است.

انواع تشبیه در شعر جاهلی عرب

نمونه‌هایی از تشبیه با ذکر شواهد از شعر جاهلی عرب ذکر می‌شود؛



تشبیه مرسل

در تشبیه مرسل ادات تشبیه حضور دارد.

از طرفه العبد

لخولهُ اطلال ببرقه شهمد تلويحكباقى الوشم فى ظاهر اليد
(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۴۰)
ترجمه: در سرزمین شن و سنگ به هم در آمیخته (شهمد) و خوله را نشانه‌هایی است بر جای مانده که همچون مانده یکهنه خال پشت دست می‌ماند.

تشبیه موکد

تشبیه موکد را تشبیهی دانسته اند که در آن ادات تشبیه ذکر نمی‌گردد.

از امرء القیس

وَ اِنَّ شَفَائِي عَبْرَةَ مُهْرَاقَةٍ فَهَلْ عِنْدَ رَسْمِ دَارِسٍ مِنْ مُعْوَلٍ
(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۴)
ترجمه: و داروی درد من اشک ریزان من است و آیا در میان این بازمانده‌های فرسوده جایی برای گریستن می‌توان یافت.
توضیح: در جمله تشبیهی فوق که کلمه «عبره» در مقام مشبه و «شفایی» در مقام مشبه قرار گرفت، ادات تشبیه نیامده است.

از طرفه العبد

سَقَّتْهُ اِيَاهُ الشَّمْسِ اِلْكَالِثَاتِهِ اُسِفَ و لَمْ تَكْدِمِ عَلَيْهِ يَاثِمِدِ
(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۴۴)
ترجمه: دندان‌های چنان درخشانی که گویی با پرتو خورشید آب داده شده و او هنوز با آنها چیزی نجویده و لثه‌های چنان تیره رنگ که انگار سرمه گرد بر آن پاشیده‌اند.
توضیح: در مصراع اول و مصراع دوم تشبیه رخ داده اما در هیچ کدام ادات تشبیه نرفته است.



انواع تشبیه از نظر بودن یا نبودن وجه شبه

تشبیه مجمل

تشبیه مجمل به تشبیهی گویند که در آن وجه شبه ذکر نگردد. نبودن برخی ارکان همچون وجه شبه را از عوامل زیبایی تصاویر شعری داشته اند.

عمر بن کلثوم

وَشَدِيًّا مِثْلَ حُقِّ الْعَاجِ رَخْصًا حَصَانًا مِنْ أَكْفِ اللَّامِسِينَا
(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۵۶)

ترجمه: و پستانی [در سپیدی و گردی] همانند پیاله ای بر ساخته از دندان پیل، پستانی نرم و دور از دسترس دست ساینده‌گان.

توضیح: در مصراع اول سپیدی و گردی که وجه شبه و صفت مشترک پستان و دندان سپید فیل است در ظاهر کلام نیامده است.

تشبیه مفصل

تشبیه مفصل به آن تشبیهی گفته می‌شود که وجه شبه در آن ذکر گردد.

از امر القیس

و كَشْحٍ لَطِيفٍ كَالْجَدِيلِ مُخَصَّرٍ و سَاقٍ كَأَنْبُوبِ السَّقْيِ الْمُنْذَلِّ
(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۷)

ترجمه: و یمانی را که در نرمی و باریکی افسار بافته چرمین شتر را می‌مانست و ساقی را به زیبایی و تازگی شاخه‌های پایروسی که در سایه خرما بنی بالیده باشد.
در بیت مذکور کلمه «لطیف» به معنی نرمی و باریکی به عنوان وجه شبه بکار رفته است.

از حارث بن حلزه

هَلْ عَلِمْتُمْ أَيَّامَ يَنْتَهَبُ النَّاءُ سٌ غَوَارًا لِكُلِّ حَيٍّ غَوَاءُ
(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۲۳۲)



ترجمه: شما نیک به یاد دارید روزهایی را که دارایی‌های مردم به یغما می‌رفت و مردمان از هر تیره و دودمانی همانند گرگان [از بیم] زوزه می‌کشیدند.
توضیح: در بیت فوق «زوزه کشیدن» وجه شبه است که ذکر گردیده است.

انواع تشبیه از نظر بودن یا نبودن ادات تشبیه و وجه شبه

علمای بلاغت انواعی که برای تشبیه از این منظر در نظر گرفته‌اند فقط یک نوع است و آن یک نوع هم تشبیه بلیغ است» (فتوحی، ۱۳۶۸: ۲۵۰).

تشبیه بلیغ

تشبیه بلیغ به تشبیهی گفته می‌شود که در آن وجه شبه و ادات تشبیه هر دو حذف گردد. در نظر علمای علم بیان این تشبیه زیباترین تشبیه است؛ چراکه از نظر آنها هرگاه این دو رکن تشبیه حذف گردد ذهن خواننده به تلاش بیشتری واداشته می‌شود و لذتی که از این طریق حاصل می‌گردد، بالاترین لذت خواهند بود در متن باید توجه داشت که تشبیه بلیغ در شعر شاعران پارسی و عرب به دو صورت می‌آید. یکی به صورت فشرده که در قالب ترکیب اضافی می‌آید و دیگر به صورت غیر اضافی» (همان، ۲۵۱).

الف: تشبیه بلیغ به صورت ترکیب اضافی

یک شکل از تشبیه بلیغ به صورت اضافی است. باید متذکر شد که این نوع تشبیه در شعر فارسی بسیار بیشتر از شعر عربی است» (همایی، ۱۳۷۸: ۱۲۴).
طرفه العبد:

و إن یقذقوا بالقذع عَرْضَکَ بکأسِ حیاضِ الموتِ قبلَ التَّهْدُدِ
(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۷۱)

ترجمه: اگر درباره آبروی تو سخنی ناشایست گویند از چشمه‌های مرگ جامی لبالب به ایشان خواهم نوشانید.

توضیح: «حیاض الموت» چشمه مرگ تشبیه بلیغ است که در آن نه ادات تشبیه آمده و نه وجه شبه.



عمر بن کلتوم

وَرثْنَا مَجْدَ عُلْمَةَ بِنِ سَيْفٍ أَبَاحَ كُنَّا حُصُونَ الْمَجْدِ دِينَا

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۷۳)

ترجمه: سروری و سیادت از «علقمه بن سیف» به ما رسیده است، آری او دژهای سروری را گشود و برای ما بر جای گذاشت.

توضیح: در این بیت «حُصُونَ الْمَجْدِ» (دژهای سروری) تشبیه بلیغی است که در آن نه وجه شبه آمده نه ادات تشبیه.

تشبیه بلیغ به صورت غیر اضافی

همانگونه اشاره شد تشبیه بلیغ گاهی به صورت غیر اضافی دیده می‌شود میزان این نوع تشبیه هم در شعر فارسی پیش از شعر عربی است.

شاهد مثال از شعر عرب جاهلی

لبیدن ربیعه العامری

وَهُمْ رَبِيعٌ لِلْمُجَاوِرِ فِيهِمْ وَالْمُرْمِلَاتِ إِذَا تَطَاوَلَ عَامُهَا

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۴۸)

ترجمه: و آنان برای همسایگان خود و برای زنان شوی مرده‌ای که سال شان به درازا بکشد همچون بهارند.

توضیح: در بیت ادات تشبیه و وجه شبه که تنگدستی و سختی زندگی باشد، نیامده است.

انواع تشبیه به اعتبار حسی بودن یا نبودن طرفین آن

در علم بلاغت تشبیه را از این منظر به چهار نوع تشبیه کرده‌اند:

۱- تشبیه حسی به حسی ۲- تشبیه حسی به عقلی ۳- تشبیه عقلی به حسی ۴- تشبیه عقلی به عقلی»

(شمیسا، ۱۳۷۰: ۶۵)



تشبیه حسی به حسی

در این نوع تشبیه طرفین یعنی مشبه و مشبه به هر دو از محسوسات است.

از طرفه العبد:

كَأَنَّ خُدُوجَ الْمَالِكِيِّهِ غُدُوَّةً خَلَايَا سَفِينٍ بِالنَّوْاصِفِ مِنْ دَدٍ
عَدُولِيَّةٌ أَوْ مِنْ سَفِينِ ابْنِ يَامِينَ يَجُورُ بِهَا الْمَلَأْحُ طَوْرًا وَيَهْتَدِي
(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۴۱)

ترجمه: کجاوه‌های «مالکی» [بر بالای شتران راهواری که] در دره «دَد» [خرامان به پیش می‌رفتند]
در آن صبح‌دمان، اتاقک‌های کشتی‌های «عدوی» یا «ابن یا من» را می‌مانستند که ناخدای شان گاه
آنها را راست به جلو راند و گاه راهشان را کج‌کند.

توضیح: شاعر در این بیت «کجاوه‌های» را که مشبه محسوس هستند به «اتاقک‌های کشتی» که آنهم
محسوس است، مانند نموده است.

لبیدن ربیعه العامری

رَفَعْنَهَا طَرْدَ النَّعَامِ وَفَرَّقَهُ حَتَّى إِذَا سَخَّجَتْ وَخَفَ غِطَائُهَا
(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۳۸)

ترجمه: [انگاه بر پشت اسبم نشستم] و به سان شتر مرغ و یا شتابی بیش از آن او را به تاختن گرفتم
تا اینکه تنش داغ شد و استخوان‌هایش نرم و سبک شد.

توضیح: شاعر در این بیت اسب را به شتر مرغ تشبیه کرده است که هر دو از امور حسی است

تشبیه حسی به عقلی

در این نوع تشبیه مشبه از امور محسوسات و مشبه به از امور عقلی خواهد بود» (ثروتیان، ۱۳۶۹: ۱۷۵)

عمر بن کلثوم

تَذَكَّرْتُ الصَّبَا وَأَشْتَفْتُ لَمَّا رَأَيْتُ حَمُولَهَا أَصْلًا خُدِينَا
(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۵۹)



ترجمه: شامگاهان که اشتران یار را دیدم که با نوای ساریان راه می سپردند، به یاد خواهش های دل به روزگاران جوانی افتادم و جام وجودم لبریز از باده شوق شد.
توضیح: دیدن اشتران یار و نغمه های ساریان آنکه امری محسوس است به خواهش های دل که امری عقلی است، مانند گردیده است.

تشبیه عقلی به حسی

در این تشبیه مشبه از امور عقلی و مشبه به از امور حسی است. باید توجه داشت که این تشبیه گاه به صورت ترکیب اضافی (یا همان اضافه تشبیهی) می آید و گاه به صورت غیر اضافی (سلاجقه، ۱۳۷۸:۹۷).

طرفه العبد

و ظَلَمُ ذَوِي الْقُرْبَى أَشَدَّ مَضَاضَةً عَلَى الْمَرْءِ مِنْ وَقْعِ الْحُسَامِ الْمَهْنَدِ
(چکامه های بلند جاهلی، ص ۷۳)

ترجمه: و ستم خویشاوندان دردناک تر است از فرود آمدن شمشیر تیز هندی.

توضیح: مشبه عقلی ستم و مشبه به حسی ضربت شمشیر هندی است.

زهیر ابن ابی سلمی

عَظِيمَيْنِ فِي عَلِيَا مَعَدَّ هُدَيْتُمَا وَمَنْ يَسْتَبِحْكَنْزاً مِنَ الْمَجْدِ يَعْظُمُ
(چکامه های بلند جاهلی، ص ۹۳)

ترجمه: شما به قهری دودمان «معد» دست یافتید، امید که به راه راس تره یابید و هر کس گنجینه ای از بزرگی فرا چنگ آورد، به بزرگی و والایی رسید.

توضیح: مشبه عقلی بزرگی و عظمت مشبه به حسی گنجینه است.

تشبیه عقلی به عقلی

در این نوع تشبیه طرفین (مشبه و مشبه به) هر دو از امور عقلی می باشند (رجایی، ۱۳۵۹: ۲۴۷).



لبیدین ربیعہ العامری

فَاقْطَعِ لُبَانَهُ مَن تَعَرَّضَ وَصَلُّهُ وَ لَخَيْرٍ وَ اصِيلِ خُلَيْهِ صَرَامُهَا

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۱۹)

ترجمه: پس بیر امید را از آنکسی که پیوندش نیاید و بهترین پیوند زننده دوستی کسی است که می‌گسلد از کسی که [رشته دوستی خویش را] با او گسسته است.

توجه: بسامد تشبیه عقلیه عقلی عموماً در شعر امیر معزی و شعر جاهلی عرب کم است اما در مقام مقایسه می‌توان گفت که در شعر عربی کمتر دیده می‌شود.

انواع تشبیه به اعتبار مفرد یا مرکب بودن طرفین تشبیه

علمای اهلن تشبیه را از این نظر به چهار قسم تقسیم نمودند که عبارتند از: ۱- تشبیه مفرد به مفرد ۲- تشبیه

۱- تشبیه مفرد به مفرد: در این نوع تشبیه مشبه و مشبه به هر دو امری واحد می‌باشند» (همان، ۱۳۸).

امرء القیس

وَإِنَّ شَفَائِي عَـبْرَةَ مُهْرَاقَةَ فَهَلْ عِنْدَ رَسْمِ دَارِسٍ مِنْ مَعْوَلٍ

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۴)

ترجمه: و داروی درد من اشک ریزان من است و آیا در میان این بازمانده‌های فرسوده جایی برای گریستن می‌توان یافت.

توضیح: درست مذکور «عبره» (اشک) مشبه است و «شفائی» مشبه به این جمله تشبیهی است که هر دو (مشبه و مشبه به) مفرد هستند.

حارث بن حلزه

بِرْزُوفِكَائْتِهَا هِقْلَهُ أَمْ رِيَالِ دَوِيَهُ سَقْفَاءِ

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۲۲۴)

ترجمه: از شتر سبک پایی که گویی مادینه شتر مرغی است جوجه دار و بیابان نشین یا بالایی بلند و خمیده.



توضیح: در بیت دو مشبه مفرد که به ترتیب شتر صحرائی و شتر مرغ باشد، به هم تشبیه شده است

تشبیه مفرد به مرکب

در این نوع تشبیه، مشبه مفرد و مشبه به مرکب یا هیئتی برآمده از چند چیز باشد» (رجایی، همان، ۲۱۱).

امرء القیس

أصاح تری برقا أریکک ومیضه کلمع الیدین فی حبی مگال

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۳۲)

ترجمه: دوست من، درخشش آن آذرخش را که همانند بر خورد دو دست در میان توده‌ای ابر به هم فشرده و دیهیم بر سر است می‌بینی؟

توضیح: در بیت مذکور آذرخش به عنوان مشبه مفرد و بر خورد دو دست در میان توده ابر به هم فشرده به عنوان مشبه به مرکب به هم تشبیه شده است.

از طرفه العبد

فآیت لا ینفک کشحی بطانۀ لعضب رقیق الشفرتین مهنند

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۷۴)

ترجمه: سوگند خورده ام که پهلویم پیوسته آستر شمشیر هر دو لب تیز هندی باشد.

توضیح: مشبه مفرد و پهلو و مشبه به مرکب آستر هر دو لب شمشیر تیز هندی است.

ذراعی عیطل ادمأ بکر هجان اللون لم تقرء جنینا

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۵۶)

ترجمه: بازوانی بس سپید و فربه به سان بازوان شتری گردن بلند و جوان که بچه در شکم نپرورده است.

بازوانی بس سپید مشبه مفرد است و به سان بازوان.. مشبه به مرکب

وتضیء فی وجه الظلام منیره کجمانه البحرى سل نظامها

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۲۹)



ترجمه: واو (ماده گاو) در آغاز تاریکی شب، به سان مرواریدی سپید دریایی که رشته اش گسسته باشد می درخشد.

توضیح: او مشبه مفرد به سان مروارید سپید مشبه مرکب
مشموله غلثت بنابت عرفج کدخان نار ساطع أسنامها
(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۴۱)

ترجمه: آتشی که باد شمالی بر آن وزیده و با هیمه‌های تر و خشک در هم آمیخته همچون دود انبوه آتشی که زیانه کشیده باشد.
اتشی (نار) مشبه مفرد دود (عرفنج) مشبه به مرکب

تشبیه مرکب به مفرد

در تشبیه مورد نظر مشبه مرکب و مشبه به امری مفرد است» (رجایی، همانجا).

حارث بن حلزّه

وَصَيَّتْ مِنَ الْعَوَاتِكِ لَا تَنْهَاهُ مُيَضَّةُ رَعٍ لَاءٍ
(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۲۳۹)

ترجمه: آنان (جنگاوران) زره به تن، پیرامون «قیس»، سرور یمنی خویش، که تپه‌ای سپید را می‌مانست گرد آمدند.

توضیح: سربازان زره به تن پیرامون کوه «قیس» که مرکب است مشبه واقع شده و «تپه سپید» مشبه به مفرد.

تشبیه مرکب به مرکب

در تشبیه مرکب به مرکب طرفین تشبیه هر دو هیئتی است منتزع از چند چیز. یعنی آن که مشبه و مشبه به هر دو از چند عنصر تشکیل شده‌اند» (رجایی، ۲۱۱).



از عمرو بن کلثوم

كَأَنَّ غُضُوفَهُنَّ مُمْتُونٌ غُدِرَ تُصَفِّقُهَا الرِّيحُ إِذَا جَرِينَا

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۷۹)

ترجمه: چین و شکنج زرها به رویه آبگیرهایی می‌ماند که باد بر آن بوزد.
توضیح: شاعر چین و شکنج روی زره‌ها که تصویری است مرکب عیناً چین و موج‌هایی که در اثر وزیدن باد بر روی آب ایجاد می‌شود که آنهم تصویری است مرکب، مانند کرده است.

طرفه العبد

يَشْتَقُّ حَبَابَ الْمَاءِ حَيْزُمُهَا بِهَا كَمَا قَسَمَ التُّرْبُ الْمُفَايِلُ بِالْيَدِ

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۴۲)

ترجمه: سینه کشتی‌ها، کوهه آب را چنان می‌شکافد که «مفایل» [اسم شخص] است با دست خویش توده خاک.

توضیح: شکافته شدن دل آب توسط سینه کشتی عیناً به شکافته شدن توده خاک با دست «مفایل» مانند شده است.

لبیدین ربیعہ العامری

وَجَلَّ السَّيُولُ عَنِ الطَّلُولِ كَأَنَّهَا زُبُرٌ تَجِدُ مُتَوْنَهَا أَقْلَامُهَا

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۱۴)

ترجمه: تندابها، نشانه‌های بر جای مانده از شیشه‌ها را آشکار ساخته است به سان کلکی که نوشته‌های رنگ پریده را دوباره پر رنگ می‌کند.

توضیح: در این بیتکل مصراع اول مشبه مرکب و مصراع دوم هم مشبه به مرکب است.

كَانَ جَمًّا جَمَّ الْإِبْطَالِ فِيهَا وَسُوقٌ بِالْأَمَاعِزِ يَرْتَمِينَا

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۶۴)

معنی: تو گوییکه سرهای جدا از تن پهلوانان در آن اوردگاه بارهای اشترانند که بر روی زمین‌های سنگلاخی به هر سوی پرتاب می‌شوند.



كَأَنَّ غَضُو نَهْنٍ مَتُونٍ غَدْرٍ تَصَفَّقَهَا الرِّيحُ إِذَا جَرِينَا
چین و شکنج زره‌ها به رویه آبگیرهایی می ماند که باد بر آن بوزد (همان ص ۱۷۹)

انواع تشبیه به لحاظ تعدد طرفین

تشبیه را از نظر تعدد طرفین آن به چهار بخش تقسیم کرده اند. این چهار بخش عبارتند از: ۱- تشبیه جمع ۲- تشبیه تسویه ۳- تشبیه ملفوف ۴- تشبیه مفروق» (رنجبر، ۱۳۸۵: ۷۱).

تشبیه جمع

در تشبیه جمع، یک مشبه به چند مشبه می ماند می شود. به عبارت دیگر این نوع تشبیه، مشبه یکی و مشبه به چندتاست.

امرء القیس

كَأَنَّ سَرَاتَهُ لَدَى الْبَيْتِ قَائِماً مَدَاكِكُ عَرُوسٍ أَوْصَالِيَةَ حَنْظَلٍ
(چکامه های بلند جاهلی، ص ۲۹)

ترجمه: آنگاه که در کنار خانه ایستاده بود پشت [لغزنده و هموارش] سنگ مشک سای دختران نو شوی کرده را به یاد می آورد و یا تخته سنگ همواری را که بر آن شرنگک دانه کنند.
توضیح: شاعر در این بیت یک مشبه را که ایستادن معشوق کنار خانه را به دو مشبه به که عبارتند از سنگ مشک سای دختران نو شوی شده و تخته سنگ هموار تشبیه کرده است.

عنتره بن شداد

وَكَأَنَّ رَبَّأَوْ كَحَيْلاً مُعْقِداً حَشَّ الوُقُودُ بِهِ جَوَانِبَ قُمَّمٍ
(چکامه های بلند جاهلی، ص ۲۰۱)

ترجمه: خوی ریزان از سر و گردنش به شیره یا زفت پر مایه ای می مانست، که از دیگی جوشان سر ریز کند.

توضیح: شاعر در بیت فوق یک مشبه که خوی ریزان باشد را به دو مشبه به که عبارتند از شیره و



رُفت پر مایه تشبیه نموده است.

تشبیه مفروق

در این تشبیه هم همانند تشبیه ملفوف، مشبه و مشبه به متعدد است. با این تفاوت که در این تشبیه شاعر یا نویسنده هر مشبه و مشبه به آن را در کنار هم قرار می‌دهد» (صادقیان، ۱۳۷۱: ۲۵).

لَهُ أَيُّطَلَا ظَبِيٍّ وَ سَاقًا نَعَامِهِ
وَإِرْحَاءُ سِرْحَانٍ وَ تَقْرِيبُ تَنْفُلٍ
(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۲۸)

ترجمه: تهیگاهش به تهیگاه آهو می‌ماند و ساق‌هایش به ساق شتر مرغ و شتابش به شتاب گرگ و جست و خیزش به جست و خیز بچه روباه.

توضیح: شاعر در این بیت بطور مجزا تهیگاه معشوق را به تهیگاه آهو و سپس ساق‌های او را به ساق شتر مرغ و شتاب او را به شتاب گرگ و جست و خیز او را به جست و خیز روباه مانند کرده است.

برخی دیگر از انواع تشبیهات

تشبیه مضمَر (ضمنی)

تشبیه مضمَر به معنی تشبیه پنهان است. در این نوع تشبیه ظاهراً با ساختار تشبیهی مواجه نیستیم ولی مقصود گوینده تشبیه است» (همان، ۵۰).

حارث بن حلّزه

وَ صَيِّتٍ مِنَ الْعَوَاتِكِ لَا تَنْهَاهُ
إِلَّا مُبِيضٌ رَعَاهُ

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۲۳۹)

ترجمه: گروه‌های بسیار که زادهٔ جوان و آزاده بودند، گروه‌هایی که جز سپاهیان انبوه و سپید از درخشش زره‌ها، کسی را توان جلوگیری از آنان نبود.

توضیح: شاعر بطور ضمنی سپاهیان انبوه و سپید را به زره‌های درخشان مانند کرده است.



تشبیه تفضیل

در این تشبیه شاعر نخست مشبه را به چیزی تشبیه کند، سپس از گفته خود عدول کرده مشبه را بر مشبه به برتری دهد» (همانجا).

از طرفه العبد

و فی الحیّ أَحویّ یَنْفُضُ المَرَدَ شَادِنٌ مُظَاهِرٌ سِمْطِی لُؤْلُؤٌ وَ زَبْرَجِدٌ

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۴۲)

ترجمه: در میان آن دودمان دلارامی می‌زید که با لبهای گندم‌گونش آهوایی را می‌ماند که گردش را برای چریدن میوه‌های درخت «اراک» بالا گرفته باشد، لیک گردن آن دلداری را دو رشته مروارید و زبرجد زینت و زیبایی افزوده است.

توضیح: شاعر به طور ضمنی معشوق را به آهو مانند کرده اما به این راضی نشده و گفته که در گردن معشوق مروارید و زبرجد هست ولی در گردن آهو نیست.

عمروین کلثوم

تَرَى اللَّحْزَ الشَّحِیحَ إِذَا أَمْرَتْ عَـلَیْهِ لِمَالِهِ فِیْهَا مُهِنَا

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۵۲)

باده ای که چون جامی از آن به چشم آزمندان در رسد، دارایی خود را در برابر آن کم بها گیرند. توضیح: شراب که مشبه باشد بر دارایی که مشبه به باشد، مانند گردیده سپس بر آن برتری داده شده است.

تشبیه مضمر و تفضیل با هم

گاهی اوقات تشبیه مضمر و تفضیل با هم به کار می‌روند. چنین اتفاقی در شعر باعث زیاتر شدن کلام شاعرانه می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۸۹: ۲۸۸).



طرفه العبد

و فی الحیّی أحوی ینفُضُ المرَدَ شادنٌ مُظَاهِرٌ سِمْطِی لُؤْلُؤٌ وَ زَبْرَجَدٍ

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۴۲)

ترجمه: در میان آن دودمان، دلارآمی زید که با لبهای گندم‌گونش به آهوایی می‌ماند که گردنش را برای چریدن میوه‌های درخت «اراک» بالا گرفته باشد، لیک گردن آن دلدار را دو رشته مروارید و زبرجد زینت داده است.

توضیح: در بیت ابتدا به طور ضمنی محبوب به آهو تشبیه شده، سپس مشبه (محبوب) بر مشبه به (آهو) برتری داده شده است.

تشبیه تمثیل

در تشبیه تمثیل نیز همانند تشبیه مرکب هیئتیکه برآمده از چند عنصر است، عیناً به هیئتی دیگر تشبیه می‌شود. با این تفاوت که مشبه به جنبه ضرب المثل دارد و گاهی اوقات به شیوه اسلوب معادله می‌آید» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۶۲)

امرء القیس

و ألقى بصحراء الغیظِ بَعَاعَةٌ نَزُولَ الیمانی ذی العیابِ المَحْمَلِ

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۳۶)

ترجمه: باران، بارهای سنگین خود را در دشت «غیظ» بر زمین افکند [و آنرا با گل‌های گوناگون بیاراست] همانند بازرگانان یمنی که پارچه‌های رنگارنگ خود را به تماشای خریداران گذاشته باشند.

توضیح: از آنجا که مبنای تشبیه تمثیل بر تشبیه مرکب است. گل مصراع اول مشبه مرکب و کل مصراع دوم در مقام مشبه به مرکب آمده مضاف بر اینکه مشبه به بصورت تمثیل بکار رفته است.



لبیدبن ربیعہ العامری

رَجَعَا بِأَمْرِهِمَا إِلَى ذِي مِرَّةٍ حَصِيدٍ وَنُجْحُ صَرِيمَةٍ إِبْرَاهِيمَا

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۲۳)

ترجمه: آنگاه با آهنگی استوار بر آن شدند که به سوی آبشخوری روان شدند و پیروزی پیوسته در گرو استواری آهنگ است.

توضیح: مشبه و مشبه به درست فوق امری مرکب است مضاف بر اینکه مشبه جنبه ضرب‌المثل دارد.

تشبیه تضاد

تشبیه تضاد به تشبیهی گفته می‌شود که در آن شی یا امری به شی یا امری مخالف خود مانند گردد»

(رنجبر، ۱۳۸۵: ۴۷).

از عنتره بن شداد

يَبْأَعُ مِنْ ذَفْوَى غَضُوبٍ جَشْرَهْ زِيَافَهْ مِثْلَ الْفَيْقِ الْمَكْدَمِ

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۳۷)

ترجمه: [خوی] از بناگوش ماده اشتری خشمگین و درشت اندام سرازیر می‌شود، مادینه ای که همچون نرینه گاز گرفته شده می‌خرامد.

توضیح: تشبیه شتر مادینه به شتر نرینه تشبیه تضاد است.

تشبیه وهمی

در تشبیه وهمی، مشبه به از امور وهمی است. امور وهمی همچون: دیو، غول، سیمرخ و...

لبید بن ربیعہ العامری

عُلْبٌ تَشَذَّرُ بِالذُّحُولِ كَأَنَّهَا جِنُّ الْبَدِيِّ رَوَاسِيًا أَقْدَامُهَا

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۴۱)

ترجمه: در آن سرا یلان گردن ستبری بودند که کینه جویانه به هم خیره می‌شدند و همچون دیوهای «بدی» [در کینه توزی و دشمنی] پای می‌فشرده.



توضیح: شاعر در بیت پهلوانان کینه‌جوی را به دیوها تشبیه کرده است. دیو در مقام مشبه به امری وهمی است.

انواع استعاره در شعر جاهلی عرب

استعاره کلمه یا کلامی است که در غیر معنای ما وضع له بکار می‌رود به علاقه‌مشابهت» (آق ولی، ۱۳۷۳: ۱۶۵). علمای علم بیان استعاره را در یک تقسیم بندی کلی به دو بخش تقسیم کرده‌اند و آنها عبارتند از استعاره مصرحه و استعاره مکنیه (بالکنایه) استعاره مصرحه: استعاره مصرحه، استعاره‌ای که در آن مشبه حذف می‌گردد و تنها مشبه می‌ماند و مخاطب از مشبه به موجود پی به مشبه به محذوف می‌برد» (همان، ۱۶۳).

دانشمندان علم بلاغت استعاره مصرحه را به سه قسم تقسیم نمودند که عبارتند از: ۱- استعاره مصرحه مجرد ۲- استعاره مصرحه مرشحه ۳- استعاره مصرحه مطلقه.

استعاره مصرحه مجرد

در این استعاره، تنها صفات و ملائمت مشبه موجود باشد. از طرفه العبد:

خَذُولٌ تُرَاعِي رَبْرَبًا بِخَمِيلِهِ تَنَاولُ أَطْرَافَ الْبَرِيرِ وَ تَرْتَدِي

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۴۳)

ترجمه: آهو بره ای رها کرده که با دیگر آهوان رمه در مرغزاری سرگرم چراست و کناره میوه‌های رسیده درخت «اراک» را می‌خورد و برگ‌های آن را پوشینه خود می‌سازد.

توضیح: «آهو بره» (رَبْرَب) استعاره مصرحه از معشوق است چریدن (تراعی) ملائم یا صفت آهو است نه معشوق.

استعاره مصرحه مطلقه

در این استعاره یا از صفات و ملائمت مشبه و مشبه به هر دو موجود است یا آنکه از صفات طرفین استعاره هیچکدام موجود نیست» (همان، ۱۷۰).



حارث بن حلزه

أَسَدٌ فِي الْقَاءِ وَرَدُّ هُمُوسٌ وَرَبِيحٌ أَنْ شَمَرَتْ عَبْرَاءُ

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۸۷)

ترجمه: او به هنگام نبرد شیری بود سرخ قام و گام برداشتنش به گام برداشتن شیران می‌مانست و باران بهاران بود اگر خشکسالی پدید می‌آمد.

توضیح: در بیت مذکور «اسد» استعاره است برای مرد شجاع و چون نه صفات مشبه آمده و نه صفات مشبه به، پس مطلقه است.

استعاره مکنیه (بالکنایه)

در استعاره مکنیه مشبه موجود و مشبه به محذوف است در این استعاره اگر چه مشبه به محذوف اما حتماً یکی از لوازم مشبه به محذوف در کلام موجود است» (همایی، ۱۳۷۰: ۲۴۱).

انواع استعاره مکنیه

علمای علم بیان استعاره مکنیه را به دو قسم تقسیم نموده‌اند که عبارتند از: ۱- استعاره مکنیه فشرده ۲- استعاره مکنیه مفصل» (همان، ۲۴۳).

استعاره مکنیه فشرده

لبیدبن ربیعہ العامری

حَتَّى إِذَا أَلْقَتْ يَدًا فَيَكْفُرٍ وَأَجْنَ عَوْرَاتِ الثَّغُورِ ضَلَامُهَا

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۸۵)

ترجمه: آنگاه که خورشید دستانش را در دل شب فرو برد و پرده‌های تاریک شب را فرو افکند.

توضیح: «پرده‌های تاریک شب» استعاره مکنیه فشرده است.

استعاره مکنیه مفصل

استعاره‌ای است که در آن مفهوم استعاری در جمله به صورت شناور بکار می‌رود. یعنی آنکه شیء یا مفهومی شخصیت انسانی پیدا کرده در مقام فعلیت بر می‌آیند» (داد، ۱۳۹۰: ۸۱).



امرء القیس

كَأَنَّ مَكَائِيَّ الْجِوَاءِ غُدِيَّةٌ صُبِحْنَ سُلُفًا مِّنْ رَّحِيقِ مُفْلَقِلِ

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۳۷)

ترجمه: تو گویی که پرندگان «شبان فریب» «جواء» از باده ناب به بوی افزار خوشبو شده صبحی زده بودند.

توضیح: نسبت دادن شراب نوشی به پرندگان استعاره‌کنایی مفصل است.

طرفه العبد

وَوَجَّهَكَانَ الشَّمْسَ أَلْقَتْ رِدَاءَهَا عَلَيْهِ نَقِيَّ الْوَنِّ لِمَ يَتَخَدَّدُ

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۴۴)

ترجمه: و رخساری چنان رخشان و بی چین و چروک که گویی خورشید، جامه [تابناک] خود را بر آن فرو افکنده است.

توضیح: در این بیت خورشید همانند انسان شخصیت پیدا کرده و لباس بر تن کرده است.

حارث بن حلزّه

وَكَأَنَّ الْمَنُونِ تَرْدِي بِنَا أُر عَن جَوْنًا يَنْجَابُ عَنْهُ الْعَمَاءُ

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۲۲۹)

ترجمه: گویی که روزگار به جای ماکوه بس بلندی را نشانه تیرهای خود کرده است، سیاهی کوهی که ابر بر فراز آن پاره پاره شود و پایدار نماند.

توضیح: روزگار در مقام شخصیت و فعلیت قرار گرفته است. و لذا استعاره مکنیه مفصل است

مَكْفَهْرًا عَلَى الْحَوَادِثِ لَا تَر تَوَهُ لِلدَّهْرِ مَوِيْدَ صَمَاءِ

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۲۳۰)

بلند کوهی که در برابر پیش آمدها خشمگینانه اژنگ می گیرد و چنان نیرومند و سخت بنیاد است که سختی‌های زمانه او را سست نتواند کرد.



او سَكْتَمَ عَنَّا فَكَنَّا كَمَنَ أَعْمَى مَضَّ عَيْنَا فِي جَفْنِهَا الْاَقْدَاءِ
(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۲۳۷)
و اگر در برابر ما خاموش بنشینید و ما نیز در برابر شما چونان کسی خواهیم بود که پلک خلیده و چشم بسته باشد (کینه شما را به دل خواهیم گرفت ولی خاموش خواهیم نشست).

انواع استعاره به لحاظ اسم یا فعل بودن مستعارله

بلاغیون استعاره را به لحاظ اسم یا فعل بودن لفظ مستعار به دو شاخه استعاره اصلیه و فعلیه تقسیم می‌شود.

استعاره اصلیه

استعاره اصلیه استعاره‌ای است که به صورت اسم یا صفت در جمله دیده می‌شود» (همان، ۹۱).

زهیر ابن ابی سلمی

لَدَى اسَدٍ شَاكِي السَّلَاحِ مُقَدِّفٍ لَكُ لِبَدِ اظْفَارُهُ كَمُ تُقَلِّمِ
(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۸۲)
ترجمه: [مرگ بار و بنه خود را بر زمین نهاد] در نزد شیری، چنگ افزار پوشیده و نبرد آزموده، شیری که دارای یال بود و ناخن‌های چیده.
توضیح: «اسد» در بیت استعاره اصلیه است چون از نوع اسم است.

استعاره تبعیه

استعاره تبعیه استعاره‌ای که در آن لفظ مستعار به صورت فعل دیده می‌شود.^۱

^۱ آهنی، غلامحسین، معانی و بیان، انتشارات بنیاد قرآن، تهران، ۱۳۶۰، ص ۱۵۹.



لبیدن ربیعہ العامری

صَادَفْنَ مِنْهَا غِرَّةً فَأَصَابَهَا أَنْ الْمَنَائِمَا لَا تَطْطِيشُ سِرَّهُمَا

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۱۲۸)

ترجمه: آن گرگان گاو را غافل از بچه‌اش یافتند و از آن بهره جستند. آری تیرهای مرگ پیوسته به نشانه خواهند نشست.

توضیح: «لا تطیش» استعاره تبعیه است چون استعاره در فعل است. استعاره از اینکه مرگ کار خود را خواهد کرد

زهیر ابن ابی سلمی

مَتَى تَبَعْتُهَا تَبَعْتُهَا ذَمِيمَةٌ وَ تَضَرَّرَ إِذَا ضَرَّرْتُمُوهَا فَتَضَرَّرَم

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۹۷)

ترجمه: هر گاه جنگ به پا کنید، چیز نکوهیده‌ای را بر پا می‌کنید و چون آن را برانگیزید، برانگیخته می‌شود و [همچون آتش] زبانه می‌کشد.

توضیح: در بیت فعل «ضَرَّيْتُمُوهَا» برانگیخته شدن استعاره تبعیه است، استعاره از برپا شدن جنگ.

استعاره تمثیلیه

استعاره است که در آن جمله‌ای در معنای «غیر ما وضع له» بکار می‌رود به علاقه مشابَهت. مضاف بر اینکه این جملات با نوعی مفهوم مثل گونه بکار می‌رود» (رجایی، ۱۳۵۹: ۳۱۱).

طرفه العبد

تُبَارِي عِتَاقًا نَاجِيَاتٍ وَ أَتَبَعَتْ وَظِيفَاءَ وَظِيفَاءَ فَوْقَ مَوْرٍ مُعَبَّدِ

(چکامه‌های بلند جاهلی، ص ۴۶)

ترجمه: او با شتران نژاده تیز تک به هم‌آوردی می‌پردازد و بر روی راهی هموار پاهایش با شتاب دستانش را دنبال می‌کنند.

توضیح: مصراع دوم استعاره تمثیلیه است، استعاره از اینکه با آمادگی و شتاب باید راه دنبال کرد.



نتیجه‌گیری

تصویر اصل مهمی از اصول صناعت شعر جاهلی است که هیچ شعری از شعرهای جاهلی خالی از آن نیست. شعر جاهلی ما را از اوضاع و احوال و جغرافیایی جزیره العرب آشنا می‌سازد، واز اوضاع اجتماعی و آداب و اخلاق و عادات و انساب و آثار و نیز جنگ‌ها و کشمکش‌های قبایل عرب و نیز از اوضاع اقامت و کوچ قبایل و شیوه خوردن و آشامیدن انواع طعام‌ها و نوشیدنی‌ها و لباس‌ها و زیور و زینت‌ها به ما معلوماتی ارزانی می‌دارد. همچنین در بین اشعار جاهلی اطلاعاتی از ادیان و مذاهب و علوم و معارف و صناعات این قوم به دست می‌آید. شاعران جاهلی عرب در بین صور خیال بیشتر به تشبیه و انواع آن گرایش دارند. تصاویر شعری در دیوان شاعران جاهلی عرب واقعی و ملموس است، از بین شاعران جاهلی این شاعران بیشتر به تشبیه گرایش داشته‌اند؛ لید بن ربیعہ العامری، عتره بن شداد، امرء القیس، طرفه العبد، عمروبن‌کلثوم، حارث بن حلزه. شاعران جاهلی عرب در بین صور خیال بیشتر به تشبیه و استعاره گرایش دارند. تشبیه یکی از فنون بیانی است که شاعران و نویسندگان در آثار ادبی خویش در همه دوران‌ها از آن استفاده نموده‌اند. شاعران دوره جاهلی برای تقریب معنا بر ذهن و رساندن مفهوم به مخاطب از این ابزار بهره برده‌اند. مهمترین تشبیهاتی که در این دوره از آن استفاده شده، نشان داده شود. انسان، حیوان، آثار دیار یار، طبیعت و ابزار جنگی مهمترین موضوعاتی هستند که شاعران جاهلی به آن پرداخته‌اند. آنها دیار یار را به زر و زیور و کتاب و زینت و زیور تشبیه کرده‌اند به دلیل نوع زندگی خاص در تشبیهات از حیوان نیز سخن به میان آمده که تشبیهاتی از شتر، اسب، گورخر وحشی و شتر مرغ در آن اشعار یافت می‌شود. در تشبیهات انسان بیشتر وصف ممدوح و زن وجود دارد. موضوعات و مضامین مشترک میان شاعران جاهلی فراوان است به طوریکه نوآوری و خلاقیت در آنها دیده نمی‌شود و بیشتر این معانی و مضامین تکراری هستند. بیشتر این تشبیهات از نوع حسی دیداری و محسوس به محسوس هستند.



منابع و مآخذ

- قرآن
- ثروتیان؛ بهروز، (۱۳۶۹)، بیان در شعر فارسی، تهران، برگ.
- داد، سیما، (۱۳۹۰)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید.
- دود پوتا، عمر محمد، (۱۳۸۲)، تاثیر شعر عربی بر تکامل شعر فارسی، ت. شمیسا، تهران، صدای معاصر.
- رجایی، محمد خلیل، (۱۳۵۹)، معالم البلاغه (در علم معانی و بیان و بدیع)، شیراز، دانشگاه شیراز.
- رنجبر، احمد، (۱۳۸۵)، بیان، تهران، اساطیر.
- سلاجقه؛ پروین، (۱۳۷۸) در آمدی بر زیبایی شناسی شعر، تهران، چکاد.
- شفیع کدکنی، م، (۱۳۷۵)، صور خیال در شعر فارسی، چاپ ششم، تهران، آگاه.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۰)، بیان، تهران، فروس.
- شکیب، محمود، (۱۳۹۷)، چکامه‌های بلند جاهلی، تهران، پایا.
- صادقیان، محمدعلی، (۱۳۷۱)، طراز سخن (در معانی و بیان)، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- طاهری، بهرام، (۱۳۹۵)، شاعران جاهلی در شعر امیر معزی، قم، اسماعیلیان.
- فاخوری، حنا، (۱۳۸۹)، تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالمجید آیتی، چاپ نهم، انتشارات توس، تهران.
- فتوحی، محمود، (۱۳۸۶)، بلاغت تصویر، تهران، سخن.
- همایی، جلال الدین، (۱۳۷۸)، معانی و بیان، تهران، هما.